



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

DOI: 10.22067/social.2021.58809.0

مقاله پژوهشی

رابطه بین کیفیت زندگی و هویت ملی با فرهنگ محیط‌زیستی (مورد مطالعه: شهر کرمان)

جمیله اسفندیارپور (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران)

esfandyarpour5002@gmail.com

علی مرادی (دانشیار گروه جامعه‌شناسی واحد اسلام‌آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد غرب، ایران، نویسنده

مسئول)

moradi.pop@gmail.com

اسماعیل جهانبخش (استادیار گروه جامعه‌شناسی واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران)

esjahan@yahoo.com

چکیده

مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه بین کیفیت زندگی و هویت ملی با فرهنگ محیط‌زیستی در شهر کرمان انجام گرفت. روش مطالعه در این پژوهش، پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود. جامعه آماری افراد ۱۶ سال و بیشتر شهر کرمان است که براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر با ۶۳۴۱۳۲ نفر بود. نمونه‌گیری براساس فرمول کوکران انجام شد و پس از گردآوری داده‌ها، ۳۷۴ پرسشنامه با استفاده از دو نرم‌افزار SPSS و AMOS تحلیل شدند. نتایج نشان داد رابطه بین کیفیت زندگی محیط‌زیستی پاسخگویان با میزان فرهنگ محیط‌زیستی (در ده سال پیش) ($r = 0/05$) و در زمان حاضر ($r = 0/26$) و با هویت ملی در زمان حاضر ($r = 0/03$) و در ده سال پیش ($r = 0/26$) بود. نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه نشان داد کیفیت زندگی با مقدار ($T = 4/91$) و ضریب معناداری ($\text{Sig.T} = 0/000$) و R^2 مقدار ۰/۲۵ درصد از تغییرات درونی فرهنگ محیط‌زیستی در شهر کرمان را تبیین کرد. نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری (AMOS) نشان داد متغیر کیفیت زندگی با مقدار ضریب رگرسیون ۰/۲۴۵ و هویت طبقاتی با مقدار

ضریب رگرسیون استاندارد برابر با ۰/۱۹۴- بر متغیر وابسته تأثیر معنادار داشتند. می‌توان استنباط کرد که با ارتقای کیفیت زندگی افراد، آگاهی، نگرش و رفتارهای محیط‌زیستی آن‌ها ارتقا پیدا کرده است. از طرفی هویت ملی افراد درباره توجه به فرهنگ محیط‌زیستی برای نسل‌های قبل بیشتر از الآن بوده است و این نگاه طبیعت‌دوستی در بین آن‌ها در مقایسه با نسل کنونی بیشتر بوده است. شاید یکی از مواردی که هم‌اکنون در تخریب محیط‌زیست نقش اصلی داشته باشد، تسلط بشر در مدرنیته بر طبیعت به واسطه دانش تکنیکی و ابزاری است که بشر برای ثروت‌اندوزی بر آن دست یافته است.

کلیدواژه‌ها: کیفیت زندگی، هویت ملی، رفتار محیط‌زیستی، دانش محیط‌زیستی.

۱. مقدمه

امروزه رشد سریع شهرنشینی تولید آلودگی‌ها را به شدت افزایش داده است؛ به طوری که بسیاری از کلان‌شهرها و حتی شهرهای بزرگ و متوسط کشور در کنترل و کاهش آلودگی دچار مشکل شده‌اند. از طرفی، رشد بی‌رویه جمعیت در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در کشور که توانایی کمتری با توجه به ملزومات اقتصادی و فنی خود داشت، کنترل آلودگی‌ها را با مشکل بیشتری مواجه کرده است؛ به نحوی که توجه به محیط‌زیست و تقویت فرهنگ محیط‌زیست یکی از مسئولیت‌های بنیادی تمام شهروندان شده است و از طرفی صیانت از آن و حفظ و نگهداری این سرمایه، یکی از دغدغه‌های مجموعه‌های مدیریتی شده است. مدیریت محیط‌زیست مجموعه‌ای از مدیریت فعالیت‌های مختلفی شامل برنامه‌ریزی برای محیط‌زیست، حفاظت از محیط‌زیست، ارزیابی وضعیت محیط‌زیست، قانون‌گذاری و اداره محیط‌زیست است (محرم‌نژاد، ۱۳۹۲، ص. ۱۰). هدف حفاظت محیط‌زیست در رابطه با محیط اجتماعی، توسعه و افزایش آگاهی‌های زیست‌محیطی در سطح جامعه و نیز تقویت فرهنگ زیست‌محیطی در سطوح مختلف اجرایی است؛ بر این اساس، در حوزه محیط‌زیست پاک، فرهنگ، عنصر مهمی در ایجاد شهر پایدار است. به نظر می‌رسد درک ماهیت رفتار فرد، در گرو شناخت نگرش‌های فرد درباره آن موضوع است و باید از نگرش‌ها و فرهنگ

محیط‌زیستی افراد آگاهی یافت. عموماً نتایج حاصل از تحقیقات محیط‌زیستی در کشورهای مختلف، متفاوت است و قابلیت تعمیم در سطح جهانی را ندارد؛ از این رو نیاز به انجام دادن تحقیقاتی مستقل در داخل کشور و ارائه راهکار در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. پژوهشگران بر این باورند که فرهنگ زیست‌محیطی که ناشی از ارزش‌ها و نگرش‌های مسئولانه در قبال محیط‌زیست است، یکی از عناصر کلیدی در فرایند توسعه پایدار جوامع مدرن و در حال توسعه است (دانلپ، وان لیر، مرتیج و جونز^۱، ۲۰۰۰، ص. ۴۳۰؛ صالحی، ۲۰۱۰، ص. ۱۲؛ صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱، ص. ۹۴؛ ضیاء‌پور، کیانی‌پور و نیکبخت، ۱۳۹۱، ص. ۵۷؛ یزدخواستی، حاجیلو و علیزاده اقدم، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۴).

در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، آگاهی لازم درباره اقدام‌های انسان با وضعیت محیط‌زیست وجود ندارد. علت اصلی این امر نبود اطلاعات کافی و صحیح است. افزایش میزان حساسیت مردم به محیط‌زیست با شمردن عوارض منفی تخریب و تهدید محیط‌زیست برای سلامت روانی و فیزیکی افراد جامعه و تشویق مشارکت آنان در حفاظت از محیط‌زیست مطرح است؛ تغییری که هم برای مسئولان، برنامه‌ریزان و مدیران شهری و هم برای شهروندان ضرورت دارد. با توجه به اینکه بسیاری از تهدیدهای زیست‌محیطی، تخریب منابع و آلوده‌سازی محیط پیامد رفتار انسانی است، تنها تغییر در فرهنگ محیط‌زیستی می‌تواند این مشکلات محیط‌زیستی را کاهش دهد.

در دهه‌های اخیر بی‌توجهی به اثرات زیست‌محیطی، فعالیت‌های مختلف صنعتی، خدماتی و تولیدی مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده محیط‌زیست انسانی و طبیعی در کرمان بوده است. گزارش نهادهای رسمی در کرمان مبنی بر خشکی و کم‌آبی قنات‌ها در اثر برداشت بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی، تخریب عرصه‌های طبیعی، تبدیل رودخانه‌ها به فاضلاب خانه در اثر رفتارهای غیرمسئولانه، تعطیلی تعدادی از کارخانه‌ها، صنایع و معادن در حال احداث توسط سازمان محیط‌زیست به دلیل رعایت نشدن استانداردها، شکار حیوانات بومی منطقه،

1. Dunlap, Van Liere, Mertig & Jones

آتش‌سوزی جنگل‌ها و مراتع، استفاده بی‌رویه از خودروهای فرسوده و شخصی با توجه به پیامدهای زیست‌محیطی آن، مصرف بیش‌ازحد آب، برق و گاز در ساعات اوج مصرف و...، از دیگر معضلات زیست‌محیطی جامعه مطالعه شده است. مشکلات و مسائل متعدد و از طرفی فقدان داده‌ای سیستماتیک در این زمینه، ضرورت پژوهش کردن در این زمینه را فراهم کرده است؛ بر این اساس، این مطالعه به بررسی رابطه بین کیفیت زندگی و هویت ملی با فرهنگ محیط‌زیستی در شهروندان شهر کرمان در حال حاضر و مقایسه آن با ۱۰ سال قبل می‌پردازد. درواقع برای سنجش نظرات افراد در حال حاضر از پرسشنامه حال استفاده شد و برای ۱۰ سال قبل همان سؤال‌های پرسشنامه زمان حال از افراد با وضعیت ۱۰ سال پیش پرسیده شد تا میزان آگاهی، تمایل و نگرش و درنهایت رفتار شهروندان درباره گویه‌ها بررسی و مقایسه شود.

اهداف جزئی پژوهش به شرح زیر است:

- تعیین رابطه بین کیفیت زندگی افراد و تحول در فرهنگ محیط‌زیستی در زمان حاضر و ۱۰ سال قبل؛
- تعیین رابطه بین هویت ملی و تحول در فرهنگ محیط‌زیستی در زمان حاضر و ۱۰ سال قبل؛
- تعیین تأثیر هویت طبقاتی (شغل، میزان تحصیلات، میزان درآمد و طبقه اجتماعی) در تحول فرهنگ محیط‌زیستی در زمان حاضر و ۱۰ سال قبل؛
- تعیین تأثیر متغیرهای زمینه‌ای (سن و جنسیت) و تحول در فرهنگ محیط‌زیستی در زمان حاضر و ۱۰ سال قبل.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. پیشینه تحقیق

کریمی، نوری و مربی هروی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی رابطه سرمایه‌های اجتماعی، تعهد سازمانی و رفتار فرانقشی در محیط‌زیست» به این نتیجه رسیدند که افرادی که مشارکت اجتماعی زیادی دارند، آگاهی بیشتری از محیط‌زیست دارند و دارای رفتارهای محیط‌زیستی مثبت هستند و به دنبال بهبود محیط‌زیست‌اند. مظلومیان و کمپور (۱۳۹۶) مطالعه‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر آلودگی محیط‌زیست و رفتار زیست‌محیطی» انجام دادند. نتایج نشان داد برای برخورداری از محیطی عاری از هرگونه آلودگی ضرورت دارد رفتارهای مناسب زیست‌محیطی برای ارتقای کیفیت زندگی و همچنین تغییر در شیوه مصرف انرژی را که به کاهش برخی آلاینده‌ها می‌انجامد، آن‌گونه که شایسته است مدنظر قرار دهیم. میرلطفی و رحیم‌زاده (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «مسائل محیط‌زیست و کیفیت زندگی انسان» به این نتیجه رسیدند که مسائل محیط‌زیست به علت تأثیرات مخربی که بر زندگی انسان‌ها در ابعاد زیستی، روانی، اقتصادی ... دارند، کاهش‌دهنده کیفیت زندگی انسان تلقی می‌شوند. از طرف دیگر، مسائل محیط‌زیست تناقضی در فرهنگ و مسیر تحولات جوامع کنونی مطرح می‌کنند؛ یعنی از یک سو برای تأمین غذای جمعیت بیشتر، مصرف انبوه، توسعه و رفاه تلاش می‌شود و از سوی دیگر، خود این عوامل باعث به‌وجود آمدن انواع مسائل در محیط‌زیست انسان می‌شوند و این تناقضی است که کیفیت زندگی انسان در بطن آن متأثر می‌شود.

میلفونت، اوسبورن، یوگسواران و سیبلی^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «نقش هویت ملی در اقدام جمعی حامی محیط‌زیست» نقش هویت ملی را در بسیج هنجارهای زیست‌محیطی و گرایش‌های حامی محیط‌زیست بررسی کردند. نتیجه پژوهش نشان داد داشتن نگرش پاک

1. Milfont, Osborne, Yogeeswaran & Sibley

و سبز به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی هویت ملی از اهمیت زیادی برخوردار است و این تأیید می‌کند که محیط‌زیست بخشی از نگرانی‌های عده‌ای از مردم است. پونس، الواردو، گراندا و یاگوانا^۱ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان «بازنگری سبز در درآمد مشاغل و سرمایه انسانی در کشور درحال توسعه اکوادور» نشان دادند که درآمد مشاغل و سرمایه انسانی نقش درخور توجهی در فرهنگ محیط‌زیستی خانواده‌های این کشور دارند؛ به‌طوری‌که هر دو متغیر تأثیر مثبتی بر رفتار محیط‌زیستی خانواده‌ها دارند. از دیدگاه آن‌ها، افرادی که مسئول سیاست محیط‌زیستی هستند می‌توانند با برنامه‌های آموزشی با محتوای محیط‌زیستی و ترویج رفتار خانوارها با استفاده از روش‌های مالیاتی آلودگی را کاهش دهند. آسیلسویا و اوکاتی^۲ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی رفتار محیط‌زیستی به‌عنوان تعیین‌کننده اصلی شهروندی بوم‌شناختی» به این نتیجه رسیدند که ارزش‌های عمومی بر نگرش‌های محیط‌زیستی تأثیر می‌گذارند. این نگرش‌های محیط‌زیستی، آگاهی و دانش محیط‌زیستی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در نتیجه آگاهی از مشکلات محیط‌زیستی، فرد متعهد می‌شود سطح مشخصی از رفتارهای محیط‌زیستی را انجام دهد. اکسن و کورانی^۳ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر اجتماعی و رفتارهای فرامحیطی: لایه‌های بازتابی چارچوب تأثیر» نشان دادند که نفوذ اجتماعی از طریق لایه‌های مختلف اجتماعی می‌تواند بر رفتارهای زیست‌محیطی افراد اثر بگذارد؛ به‌عنوان نمونه، آگاهی تحت تأثیر گسترش اطلاعات کارکردی ارتقا می‌یابد و مصرف‌کنندگان با افزایش آگاهی خود به ارزیابی فناوری و منافع آن می‌پردازند. با این آگاهی، نگرش‌ها و رفتار افراد در محیط‌زیست و درباره محیط‌زیست شکل می‌گیرد. کلس^۴ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «کیفیت زندگی و محیط‌زیست» به این نتیجه دست یافت که بین کیفیت زندگی و محیط‌زیست رابطه معنادار وجود دارد و سازمان‌هایی

1. Ponce, Alvarado, Granda & Yaguana

2. Asilsoy & Oktay

3. Axsen & Kurani

4. Keles

مانند سازمان ملل، آژانس‌های تخصصی، اتحادیه اروپا و شورای اروپا به پیشرفت اندیشه‌های زیست محیطی که پدیده کیفیت زندگی را به‌طور مداوم در دستور کار قرار می‌دهد، کمک زیادی کردند.

محققان بسیاری هویت ملی و اجتماعی را به‌عنوان راهی مهم برای دستیابی به کنش جمعی در حوزه زیست محیطی شناسایی کرده‌اند می‌تواند در زمینه کاهش آسیب‌های زیست محیطی بسیار مؤثر باشد (بونایوتو، بریکول و کانوا، ۱۹۹۶، ص. ۱۵۸؛ پوستمس، رابینوویچ، مورتون، وان زومرن^۱، ۲۰۱۳، ص. ۴۳؛ بامبرگ، رس و سیباور^۲، ۲۰۱۵، ص. ۱۵۷؛ بلیوک^۳ و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۲۲۸؛ فیلدینگ و هورنسی^۴، ۲۰۱۶، ص. ۳؛ فریشچه، بارت، جاگرت، ماسون و ریزه^۵، ۲۰۱۸، ص. ۲۴۷).

محققان گروه محیط زیست و کشاورزی، بیشتر تحقیقات انجام شده در زمینه فرهنگ زیست محیطی را انجام داده‌اند. پژوهش حاضر نیز به موضوع از منظر جامعه‌شناختی توجه کرده است؛ البته تحقیق حاضر برخی متغیرهای اجتماعی و فرهنگی را بررسی کرده است که در تحقیقات پیشین به آن‌ها توجه نشده است. نتایج حاصل از تحقیقات گذشته نشان می‌دهد که فرهنگ زیست محیطی می‌تواند با متغیرهای مختلفی رابطه برقرار کند؛ بنابراین همبستگی احتمالی برحسب متغیرهای مختلف متفاوت است؛ بنابراین ادعای وجود همبستگی میان متغیرهای مختلف و فرهنگ زیست محیطی نیز نیازمند انجام دادن تحقیق تجربی است؛ به همین دلیل در تحقیق حاضر سعی شده است علاوه بر سنجش فرهنگ محیط زیستی، این همبستگی‌های نظری بررسی تجربی شود.

1. Bonaiuto; Breakwell & Cano
2. Postmes
3. Bamberg, Rees & Seebauer
4. Bliuc
5. Fielding & Hornsey
6. Fritsche, Barth, Jugert, Masson & Reese

۲.۲. مبانی نظری

هابرماس^۱ و مسئله طبیعت در نوگرایی: هابرماس معتقد است که رابطه ما انسان‌ها با زیست‌بوم رابطه ابزاری، فنی و حسابگرانه دارد که همیشه در این رابطه به دنبال بهره‌کشی بهتر از محیط زیست هستیم. هابرماس معتقد است که شهروندان بعد از ما نیز سهمی از این محیط زیست و منابع موجود در آن دارند؛ بنابراین برای حل این مشکل (رابطه ابزاری) پیدایی سیاست‌های زیست‌محیطی را همچون جنبش اجتماعی جدیدی که بیانگر توجه به مراقبت و حمایت از محیط زیست طبیعی است، مهم می‌داند؛ چراکه جنبش‌های زیست‌محیطی همراه با سایر جنبش‌های اجتماعی دیگر عزم آن را دارند که نظم نهادی و اخلاقی موجود را به مبارزه بطلبند؛ زیرا به مبارزه طلبیدن این نظم نهادی و اخلاقی به توسعه حوزه عمومی در سطوح افقی و عمودی در جامعه منجر می‌شود و این خود مسیری است که به ایجاد جامعه مدنی منجر می‌شود (بری، ۱۳۸۰، ص. ۱۱۹).

دیدگاه جامعه ریسکی بک^۲: پیش فرض بک در این دیدگاه این است که جوامع غربی به دنبال بهره‌برداری نابرابر از مواهب صنعتی‌اند و در عین حال قصد کوچک جلوه دادن آسیب‌های صنعتی شدن و مدرنیزاسیون را نیز دارند؛ بنابراین در اثر پیشرفت‌های حاصل از صنعتی شدن، جامعه بیش‌ازپیش مخاطره‌آمیز می‌شود. به اعتقاد وی، مخاطرات عصر حاضر بسیار متفاوت‌تر از گذشته شده است؛ به طوری که امروزه خطرات برای مردم عادی رؤیت‌شدنی نیستند و تنها از طریق ابزارهای پیشرفته علمی شناسایی می‌شوند. براساس دیدگاه جامعه مخاطره جهانی بک، انسان‌ها در حال تجربه کردن مدرنیته متأخر به همراه موضوعات فراملی در پیش رو هستند. بک بر این باور است که در جامعه مخاطره این فرصت برای افراد برای رهایی وجود دارد و آن این است که سبک زندگی، روابط اجتماعی و هویت خود را انتخاب کنند. بک بر این باور است که همه ما موظفیم تجربیات شخصی

1. Habermas
2. Beck

خود را در اختیار دیگران قرار دهیم و به آنها در تصمیم‌گیری به‌منظور انتخاب سبک زندگی مناسب کمک کنیم. بک تأکید می‌کند که ریسک‌ها به‌طور فزاینده اجتماعی هستند؛ یعنی درک و فهم ماست که آنها را می‌سازد و گرنه چیزی بیرون از فهم ما نیستند (هانیکان، ۱۳۹۴، ص. ۳۷).

نظریه کاستلز^۱ و فرهنگ محیط‌زیستی: کاستلز مفهوم عدالت زیست‌محیطی را مطرح می‌کند و معتقد است اجتماعات فقیر و اقلیت‌های قومی علیه تبعیض‌های زیست‌محیطی بسیج شده‌اند؛ زیرا آنها بیش از دیگران در معرض انواع آلودگی‌ها قرار دارند. کاستلز معتقد است مفهوم عدالت زیست‌محیطی مفهومی فراگیر است که مؤید ارزش بهره‌مندی از حیات در برابر منافع قدرت، ثروت و فناوری است و به‌طور تدریجی اذهان و سیاست‌ها را تسخیر می‌کند و بدین‌سان نهضت زیست‌محیطی وارد مرحله‌ای تازه می‌شود. کاستلز معتقد است هرچه بیشتر بدانیم و بیشتر از حقوق خودمان آگاهی داشته باشیم، بهتر می‌توانیم امکانات فناورانه و محیط طبیعی‌مان را درک کنیم (کاستلز، ۱۳۸۴، ص. ۱۶۵). اساسی‌ترین وظیفه انسان امروزی در قبال همه داشته‌های طبیعی و ساخته‌های دست انسان، «مسئولیت‌پذیری اوست». با کمی دقت می‌بینیم تا وقتی که انسان از طبیعت می‌ترسید و تا زمانی که طبیعت توانسته بود قدرت و اقتدار خود را حفظ کند، همه چیز روال معمول خود را طبق قانون طبیعت داشت؛ حتی قانون جنگل و طبیعت نیز زیبا بود؛ چراکه چرخه‌ای منظم بود که در آن هر ازبین‌رفتنی تولدی دوباره داشت، اما انسان به مدد هوش و استعدادش، نظم طبیعت و حرکت چرخه‌ای آن را بر هم زد (اسلام‌زاده، ۱۳۸۲، ص. ۴۳). به نظر کاستلز، از دهه ۶۰ به بعد محیط‌زیست‌گرایی دیگر صرفاً دل‌مشغولی تماشای پرندگان، نجات جنگل‌ها و پاکیزه‌سازی هوا نبوده است. اقداماتی علیه دفع زباله‌های سمی، حقوق مصرف‌کنندگان، اعتراض‌های ضد هسته‌ای و شماری از مسائل دیگر با دفاع از طبیعت ترکیب شده‌اند تا

1- Castells

ریشه‌های این نهضت را در چشم‌انداز وسیعی از دعاوی و حق‌طلبی‌ها جای دهند (کاستلز، ۱۳۸۴، ص. ۱۷۰).

گیدنز و فرهنگ محیط‌زیستی: گیدنز، محیط‌زیست را از دیدگاه جهانی و با رویکرد سیستمی تبیین می‌کند و از ابعاد مختلف به این موضوع مهم می‌پردازد؛ به طوری که اقتصاد، سیاست و فرهنگ را گرد هم می‌آورد تا از این پدیده تمدن جدید، تصویر کامل‌تری ارائه دهد. می‌توان گفت این مردم کشورهای کمتر توسعه‌یافته هستند که مشکلات و مسائل محیط‌زیستی را تجربه می‌کنند؛ مسائلی مانند جنگل‌زدایی، فرسایش خاک، آلودگی، بیابان‌زایی و همچنین ناتوانی فراگیر در برآورده‌نشدن نیازهایی که محیط‌زیست می‌تواند آن‌ها را تأمین کند (محرم‌نژاد و تهرانی، ۱۳۸۹، ص. ۸). گیدنز جنبش‌های زیست‌محیطی را کوششی برای استقرار فردی بنیادهای اخلاقی و امنیت‌هنجاری در زندگی مردم می‌داند. اخلاقیاتی که وی آن را می‌پسندد، آن اصولی هستند که در دنیای امروزی و شهرنشینی از بین رفته‌اند. یکی از پدیده‌های نوسازی شهری، ازدست‌رفتن حس زندگی در میان نظم طبیعی است. زندگی در محیط شهری، مردم را از واقعیات دنیای طبیعی و وابستگی جامعه به آن دور می‌کند (بری، ۱۳۸۱، صص. ۱۲۴-۱۲۱).

۳.۲. چارچوب نظری تحقیق

با توجه به اینکه پژوهش حاضر موضوعی بین‌رشته‌ای است و برای تبیین کامل آن از دیدگاه‌های نظری متعددی استفاده شده است، دسته‌بندی منظم این دیدگاه‌ها ضرورت دارد. درباره آنچه مبانی نظری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد، در دیدگاه هابرماس می‌توان به کاهش هویت ملی اشاره کرد که ناشی از دانش فنی تکنیکی و ابزاری بشر بر محیط‌زیست حاکم می‌شود. در صورتی که این هویت احیا نشود، براساس دیدگاه وی، احتمال وقوع ناآرامی‌های اجتماعی در قالب جنبش‌های محیط‌زیستی خواهد بود. طبق نظر بک، معضلات محیط‌زیستی مانند اثرات گلخانه‌ای و نازک‌شدن لایه ازن در سطح جهان به مخاطره فزاینده ناشی از تشدید عینی و مسلم ریسک‌های جهانی در سیاره زمین منجر می‌شود و انسان را

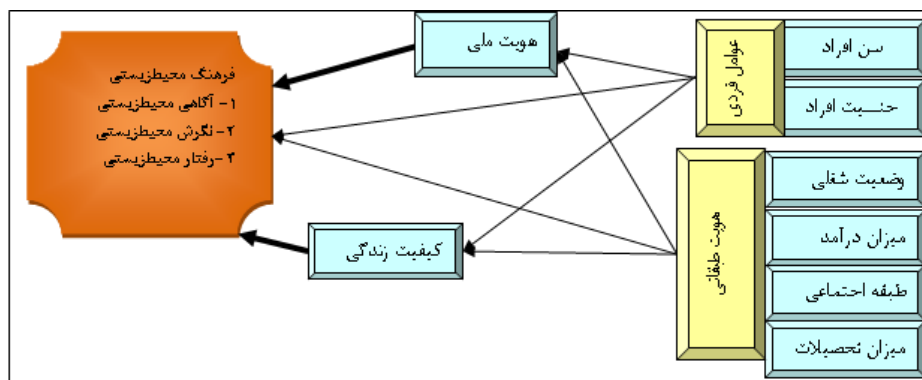
باید به سمت طبیعت دوستی سوق دهیم. نظریه کاستلز درباره عدالت زیست محیطی منوط به درک فزاینده و آگاهی ما از حقوق محیط زیست و درک آن است. در نظریه گیدنز، عوامل ایجاد رفتار حفاظت از محیط زیست، سواد زیست محیطی است که بنیادی ترین شیوه در حفاظت از محیط زیست را می آموزد، تا از این طریق هر فرد از طریق احترام گذاشتن به طبیعت، خویش را مسئول حفظ و حمایت از زیست سپهر بداند و در عرصه های اقتصاد، سیاست و جهانی شدن، آگاهانه رصد کند، نقد کند، تصمیم بگیرد و انتخابگر و مطالبه گر باشد و به عنوان یک شهروند جهانی، ناظر آگاهانه تصمیم های سیاسی و بین المللی باشد که تبعات عمیق سیستمی بر زندگی فردی و اجتماعی وی دارد. ارزش گذاری، هنجارها و تغییرات نگرشی در تعیین درست یا نادرست بودن رفتار در قبال طبیعت، تعیین کننده است (محرّم نژاد و تهرانی، ۱۳۸۹، ص. ۸).

جدول ۱- ماتریس چارچوب نظری

منبع: برگرفته از فرایند پژوهش

نظریه	شرح نظریه	فرضیه مستخرج از نظریه
هابرماس	هابرماس نشان داد تنها رابطه ما با محیط زیست طبیعی، رابطه ابزاری و بهره کشی است که به خصلت و سرشت آدمی مربوط است.	بین کیفیت زندگی و فرهنگ زیست محیطی ارتباط معنادار وجود دارد.
گیدنز	گسترش مشکلات زیست بومی جهانی به عنوان یکی از پیامدهای جهانی شدن، گسترش سرمایه داری صنعتی به سراسر کره زمین، ایجاد بازار جهانی و توسعه ارتباطات گوناگون است.	بین هویت اجتماعی و فرهنگ زیست محیطی ارتباط معنادار وجود دارد.
کاستلز	عدالت زیست محیطی در گستره نحوه برخورد با موجودات طبیعی و حاصل می شود.	بین کیفیت زندگی و فرهنگ زیست محیطی ارتباط معنادار وجود دارد.
بک	در جامعه مخاطره این فرصت برای افراد به منظور رهایی وجود دارد و آن این است که سبک زندگی، روابط اجتماعی و هویت خود را انتخاب کنند.	بین کیفیت زندگی و فرهنگ زیست محیطی ارتباط معنادار وجود دارد.

بررسی نگرش‌های گوناگون در ارتباط با فرهنگ محیط‌زیستی این امکان را فراهم می‌کند تا چشم‌اندازهای تحلیلی خود را وسعت دهیم، وجوه گوناگون مسئله تحقیق را آشکار کنیم و در نهایت چارچوب مناسبی برای آن برگزینیم.



شکل ۱. مدل تجربی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

- به نظر می‌رسد بین هویت ملی و فرهنگ محیط‌زیستی در زمان حاضر و ۱۰ سال قبل رابطه وجود دارد؛
- به نظر می‌رسد بین کیفیت زندگی شهروندان و فرهنگ محیط‌زیستی در زمان حاضر و ۱۰ سال قبل رابطه وجود دارد؛
- به نظر می‌رسد جنسیت در فرهنگ محیط‌زیستی در زمان حاضر و ۱۰ سال قبل تأثیر دارد؛
- به نظر می‌رسد بین هویت طبقاتی و فرهنگ محیط‌زیستی در زمان حاضر و ۱۰ سال قبل رابطه وجود دارد؛
- به نظر می‌رسد بین سن و فرهنگ محیط‌زیستی در زمان حاضر و ۱۰ سال قبل رابطه وجود دارد.

۳. روش تحقیق

روش مطالعه حاضر پیمایشی بود. تکنیک جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر پرسشنامه بود. جامعه آماری این پژوهش افراد ۱۶ سال و بیشتر ساکن در مناطق چهارگانه شهر کرمان بودند که براساس آمار سال ۱۳۹۵، ۶۳۴۱۳۲ نفر بودند. در این تحقیق از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است. این فرمول براساس جمعیت کل (جامعه آماری) و سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۵ درصد، حجم نمونه را برآورد می‌کند؛ بر این اساس، حجم نمونه در این تحقیق براساس فرمول کوکران برابر با ۳۸۴ نفر بود.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{(1/96)^2 (0/5)(0/5)}{(0/05)^2}}{1 + \frac{1}{634132} \left(\frac{(1/96)^2 (0/5)(0/5)}{(0/05)^2} - 1 \right)} = 384$$

در این پژوهش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انجام شد. با توجه به اینکه جمعیت مطالعه‌شده در این پژوهش همگن نبودند، ابتدا جامعه آماری تقسیم شد و از درون هر قسمت نمونه‌ای مناسب انتخاب شد؛ بدین صورت که در هر منطقه، نشانی خیابان‌ها مشخص شد و سپس از بین آن‌ها نمونه‌گیری صورت گرفت. در هر خیابان نیز از بلوک‌ها به شیوه نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند و از بین خانه‌ها و افراد خانه نمونه‌گیری تصادفی ساده انجام شد. این پرسش‌نامه در دو بخش تنظیم شد: بخش اول پرسش‌نامه شامل سؤال‌هایی بود که به بررسی متغیرهای مستقل و وابسته می‌پرداخت. بخش دوم شامل سؤال‌هایی درباره ویژگی‌های پاسخگویان بود. در این تحقیق برای توصیف و تحلیل داده‌ها با به‌کارگیری نرم‌افزارهای آماری AMOS و SPSS از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. تعریف نظری و عملیاتی متغیرها به شرح زیر است:

الف- فرهنگ محیط‌زیستی: نوع خاصی از فرهنگ را که با چگونگی رفتار بشر با سیاره زمین مرتبط است، «فرهنگ محیط‌زیستی» می‌نامیم (شوماخر^۱، ۲۰۱۳، ص. ۶). در این مطالعه فرهنگ محیط‌زیستی در سه بُعد سنجش شد: الف- شناخت و آگاهی محیط‌زیستی خاص شامل پنج مؤلفه (بازیافت با پنج گویه، مصرف بهینه آب با پنج گویه، آلودگی هوا با پنج گویه، گونه‌های محیط‌زیستی با هفت گویه و ریزگردها با پنج گویه)، ب- نگرش محیط‌زیستی با ۲۵ گویه در قالب پنج بُعد (محدودیت رشد با پنج گویه، مخالفت با انسان‌محوری با پنج گویه، شکنندگی تعادل طبیعت با هفت گویه، رد ایده معافیت بشر با پنج گویه و ریزگردها با سه گویه) و ج- رفتار محیط‌زیستی در چهار مؤلفه (مصرف بهینه انرژی با پنج گویه، مصرف بهینه آب با پنج گویه، حوزه آلودگی هوا با شش گویه، محیط‌زیستی بازیافت با پنج گویه، زیست‌بوم محلی با سه گویه) سنجش شده است.

کیفیت زندگی: کیفیت زندگی به صورت نگرش و برداشت هر شخص از زندگی فردی و خانوادگی خود و احساس رضایت یا نارضایتی از اوضاع محیطی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، تعریف می‌شود (محمدی‌فر، ۱۳۹۵، ص. ۲۵). این متغیر در مجموع با استفاده از ۱۲ گویه براساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت سنجیده می‌شود.

هویت ملی: به باور بایند، هویت ملی فرایند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌هایی درباره خود، گذشته، کیفیت زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دائمی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، فرهنگی و ارزش‌های مهم هویت تاریخی خود است (بایند، ۱۳۷۷، ص. ۲۳۴). در پژوهش حاضر برای سنجش هویت ملی از پرسشنامه لطف‌آبادی در شش گویه براساس طیف لیکرت استفاده شده است.

هویت طبقاتی: در پژوهش حاضر برای مطالعه و سنجش طبقه اجتماعی از: الف- شاخص‌های ذهنی مانند تعلق طبقاتی افراد از نظر خودشان، ب- شاخص‌های عینی مانند درآمد، تحصیلات، نوع شغل، نوع مسکن، نوع ماشین و محل سکونت استفاده شده است. در اینجا به هر شاخص برحسب اهمیت آن، شاخص وزنی اختصاص می‌یابد و سپس وزن آن شاخص در نمره‌ای که هر فرد از آن شاخص می‌گیرد ضرب می‌شود؛ به این ترتیب از مجموعه نمرات جزئی افراد در هر شاخص نمره کل به دست می‌آید و افراد برحسب این نمره کل در یک طبقه اجتماعی قرار می‌گیرند. برای تعیین طبقه فرد ابتدا وضعیت تحصیلی، شغلی و موقعیت محله مسکونی و همچنین درآمد آن‌ها را مشخص کردیم و سپس از تلفیق آن‌ها طبقه اجتماعی اقتصادی هر فرد را تعیین کردیم.

برای تعیین اعتبار صوری نیز پس از طراحی گویه‌ها، طیف‌های مربوطه در اختیار متخصصان قرار گرفت. اجماع نظر این افراد در نهایت به گزینش گویه‌های مناسب برای هر طیف منجر خواهد شد. برای سنجش پایایی ابزار سنجش (پرسش‌نامه) ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است. آلفای کرونباخ هریک از متغیرها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- میزان آلفای کرونباخ (پایایی)

میزان آلفای کرونباخ			تعداد گویه	ابعاد و شاخص‌ها		مؤثر رایسته: فرهنگ محیط‌زیستی
کل	۱۰ سال پیش	در حال حاضر				
۸۴	۸۰	۸۱	۷۱	۵	بازیافت	آگاهی محیط‌زیستی
		۷۶	۵۹	۵	مصرف بهینه آب	
		۷۷	۵۶	۵	آلودگی هوا	
		۸۲	۵۴	۷	گونه‌های زیستی	
		۱۱	۵۳	۳	ریزگردها	
۷۷	۷۷	۹۴	۳۸	۵	محدودیت رشد	نگرش محیط‌زیستی
		۶۹	۵۳	۵	مخالفت با انسان‌محوری	
		۷۳	۶۷	۷	شکندگی تعادل طبیعت	
		۷۶	۶۹	۵	رد ایده معافیت بشر	

میزان آلفای کرونباخ			تعداد گویه	ابعاد و شاخص‌ها		رتبه
کل	۱۰ سال پیش	در حال حاضر		رفتار محیط‌زیستی		
۷۳	۴۸	۲۹	۳	ریزگردها		رفتار محیط‌زیستی
	۶۷	۸۴	۵	مصرف بهینه انرژی		
	۷۰	۱۷	۵	مصرف بهینه آب		
	۵۹	۶۰	۶	حوزه آلودگی آب		
	۵۸	۶۰	۵	زیست‌محیطی بازیافت		
	۴۴	۳۱	۳	زیست‌بوم محلی		
—	۷۹	۷۶	۱۲	کیفیت زندگی		رفتار
—	۶۰	۷۴	۶	هویت ملی		

۴. یافته‌های تحقیق

داده‌های این پژوهش حاصل استخراج پرسش‌نامه‌هایی است که ۳۷۴ نفر از شهروندان شهر کرمان تکمیل کردند و اساس تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج توصیفی این مطالعه نشان داد ۹/۴ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۱۶ تا ۲۹ سال، ۶۶ درصد از آن‌ها در گروه سنی ۳۰ تا ۴۹ سال و ۲۴/۶ درصد از آن‌ها در گروه سنی ۵۰ سال و بیشتر بودند. درباره جنسیت باید گفت، ۴۴/۱ درصد از پاسخگویان مرد و ۵۵/۹ درصد زن بودند. بیشترین درصد فراوانی را اشخاص با مدرک کارشناسی با ۲۸/۱ درصد و کمترین درصد فراوانی را اشخاص با مدرک دکتری با ۱/۶ درصد به خود اختصاص دادند. نتایج نشان داد ۴/۵ درصد از پاسخگویان بیکار، ۸/۸ درصد خانه‌دار، ۱۱/۲ درصد دارای شغل آزاد و ۷۵/۴ درصد دارای شغل دولتی بودند. درباره درآمد نتایج نشان داد ۲۹/۹ درصد از پاسخگویان یا درآمدی نداشتند یا اینکه میزان درآمد خود را اعلام نکردند، ۱۷/۱ درصد کمتر از یک و نیم میلیون تومان، ۴۲/۸ درصد از پاسخگویان بین یک و نیم تا سه میلیون تومان و ۱۰/۲ پاسخگویان بیشتر از سه میلیون تومان درآمد داشتند؛ بنابراین بیشتر پاسخگویان بین یک و نیم تا سه میلیون تومان درآمد داشتند. تعداد افراد مجرد ۱۷۷ نفر (۴۴/۲ درصد) و افراد متأهل برابر با

۲۰۶ نفر (۵۱/۵ درصد) بودند. نتایج نشان داد بیشترین تعداد پاسخگویان افراد متأهل بودند. براساس نتایج حاصل از بررسی داده‌ها، ۶۲ درصد از پاسخگویان در خانه‌های شخصی، ۲۹/۰۱ درصد در خانه‌های اجاره‌ای، ۴/۳ درصد در منازل سازمانی و ۴/۵ درصد نیز از افراد در سایر منازل مسکونی سکونت داشتند؛ به تعبیر دیگر، ۲۳۲ نفر از پاسخگویان در خانه‌های شخصی، ۱۰۹ نفر در خانه‌های اجاره‌ای، ۱۶ نفر در منازل سازمانی و ۱۷ نفر نیز از افراد در سایر منازل مسکونی سکونت داشتند. نتایج نشان داد تعداد افرادی که در پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا قرار داشتند، ۹۵ نفر (۲۵/۴ درصد)، تعداد افرادی که در پایگاه اقتصادی اجتماعی میانی قرار داشتند، ۱۷۸ نفر (۴۷/۶ درصد) و تعداد افرادی که در پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین قرار داشتند، ۱۰۱ نفر (۲۷/۰ درصد) بودند.

جدول ۳ نشان‌دهنده توزیع ابعاد سه‌گانه فرهنگ محیط‌زیستی (دانش، نگرش و رفتار) است. این متغیر شامل سه گویه است. جمع نمرات کل ابعاد می‌تواند بین نمره ۷۶ (حداقل نمره) و نمره ۳۸۰ (حداکثر نمره) باشد. نتایج حاصل از میانگین فرهنگ زیست‌محیطی در بُعد آگاهی محیط‌زیستی نشان داد میانگین این متغیر برای زمان حاضر (۶۷/۸۹) در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۸۱) کمتر است. این نتایج برای ۱۰ سال قبل با میانگین (۵۰/۶۹) در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۸۱) کمتر است. درباره بُعد نگرش‌های محیط‌زیستی، میانگین آن در زمان حاضر (۸۴/۳۰) در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۷۵) بیشتر است. برای ۱۰ سال قبل میانگین این بُعد (۷۲/۰۴) در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۷۵) کمتر است. درباره بُعد رفتاری نتایج نشان می‌دهد که میانگین در زمان حاضر (۶۱/۳۱) در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۷۲) کمتر است. برای ۱۰ سال قبل، میانگین این متغیر (۵۸/۰۶) در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۷۲) کمتر است. در نهایت میانگین نمره فرهنگ محیط‌زیستی در زمان حاضر برابر با (۲۱۳/۵۲۴) است که در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۲۲۸) کمتر است. این نتایج برای ۱۰ سال قبل به این صورت است که میانگین این متغیر ۱۸۰/۷۹۹ است که در

مقایسه با میانگین مورد انتظار (۲۲۸) کمتر است. از نتایج چنین استنباط می‌شود که میانگین میزان فرهنگ محیط‌زیستی در حال حاضر در مقایسه با ۱۰ سال قبل افزایش یافته است.

جدول ۳- توزیع میزان فرهنگ محیط‌زیستی در ابعاد مؤلفه رفتار برحسب شاخص توصیفی

بازة زمانی	نام متغیر	میانگین		انحراف معیار	کمترین	بیشترین
		مورد انتظار	واقعی			
رفتار ۱۰ سال پیش	بُعد آگاهی محیط‌زیستی	۸۱	۵۰/۶۹	۱۰/۹۶	۳۳	۱۳۰
	بُعد نگرش محیط‌زیستی	۷۵	۷۲/۰۴	۱۱/۵۴	۳۶	۹۸
	بُعد رفتاری محیط‌زیستی	۷۲	۵۸/۰۶	۱۱/۰۸	۳۰	۹۸
فرهنگ محیط‌زیستی در ۱۰ سال قبل						
رفتار در حال حاضر	بُعد آگاهی محیط‌زیستی	۸۱	۶۷/۸۹	۱۰/۹۶	۲۷	۹۴
	بُعد نگرش محیط‌زیستی	۷۵	۸۴/۳۰	۱۷/۹۳	۳۵	۱۲۵
	بُعد رفتاری محیط‌زیستی	۷۲	۶۱/۳۱	۱۲/۲۵	۳۲	۱۰۲
فرهنگ محیط‌زیستی در حال حاضر						
		۲۲۸	۲۱۳/۵۲۴	۴۲/۶۹	۱۰۷	۳۲۶

جدول ۴ توزیع میزان کیفیت زندگی در ابعاد مختلف برحسب شاخص‌های توصیفی را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که میانگین این متغیر برای زمان حاضر برابر با ۲۲/۲۰ است که در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۳۶) کمتر است. این نتایج برای ۱۰ سال قبل به این صورت است که میانگین این متغیر ۲۲/۱۳ است که در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۳۶) کمتر است. از نتایج چنین استنباط می‌شود که میانگین کیفیت زندگی در حال حاضر در مقایسه با ۱۰ سال قبل تغییر محسوسی نداشته است.

جدول ۴- توزیع میزان کیفیت زندگی در ابعاد مختلف برحسب شاخص توصیفی

بازة زمانی	نام متغیر	میانگین		انحراف معیار	کمترین	بیشترین
		مورد انتظار	واقعی			
	میزان کیفیت زندگی در حال حاضر	۳۶	۲۲/۲۰	۶/۳۳	۱۲	۴۶
	میزان کیفیت زندگی در ۱۰ سال قبل	۳۶	۲۲/۱۳	۶/۲۵	۱۲	۴۸

جدول ۵ توزیع میزان هویت ملی برحسب شاخص‌های توصیفی را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که میانگین این متغیر برای زمان حاضر ۲۰/۸۵ است که در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۱۸) در حد زیادی است. این نتایج برای ۱۰ سال قبل با میانگین ۱۵/۲۸ در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۱۸) کمتر است. از نتایج استنباط می‌شود که میانگین هویت ملی در حال حاضر در مقایسه با ۱۰ سال قبل افزایش یافته است و نشان می‌دهد که حس ملی‌گرایی در مقایسه با یک دهه پیش در میان مردم کرمان شدیدتر شده است.

جدول ۵- توزیع میزان هویت ملی برحسب شاخص توصیفی

نام متغیر	میانگین واقعی	میانگین مورد انتظار	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
میزان هویت ملی در حال حاضر	۲۰/۸۵	۱۸	۵/۱۴	۶	۳۰
میزان هویت ملی در ۱۰ سال قبل	۱۵/۲۸	۱۸	۴/۲۶	۶	۳۰

جدول ۶ ماتریس همبستگی بین کیفیت زندگی محیط‌زیستی پاسخگویان و میزان فرهنگ محیط‌زیستی هریک از ابعاد آن را (آگاهی، نگرش و رفتار) نشان می‌دهد. براساس یافته‌ها، کیفیت زندگی محیط‌زیستی با فرهنگ محیط‌زیستی در حال حاضر در بُعد آگاهی ($r = 0/18$)، در بُعد رفتاری ($r = 0/30$) دارای رابطه معنادار است و در بُعد نگرش ($r = 0/04$) رابطه معنادار ندارد. در ۱۰ سال پیش نیز کیفیت زندگی تنها در بُعد رفتاری ($r = 0/21$) با میزان فرهنگ محیط‌زیستی دارای رابطه معنادار است. در مجموع نتایج بیانگر آن است که کیفیت زندگی محیط‌زیستی پاسخگویان با میزان فرهنگ محیط‌زیستی (در ۱۰ سال پیش) ($r = 0/05$) رابطه معنادار ندارد و در زمان حاضر ($r = 0/24$) دارای رابطه معنادار است.

جدول ۶- ماتریس همبستگی بین وضعیت کیفیت زندگی زیست‌محیطی و میزان فرهنگ محیط‌زیستی

میزان فرهنگ محیط‌زیستی	ابعاد فرهنگ محیط‌زیستی			ضریب همبستگی پیرسون		
	رفتار	نگرش	آگاهی			
۰/۲۴	۰/۳۰	۰/۰۴	۰/۱۸	همبستگی	زمان حاضر	کیفیت زندگی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۵	۰/۰۰۰	معناداری		

میزان فرهنگ محیط‌زیستی	ابعاد فرهنگ محیط‌زیستی			ضریب همبستگی پیرسون	
	رفتار	نگرش	آگاهی		
۰/۰۵	۰/۲۱	-۰/۰۸	۰/۰۷	همبستگی	۱۰ سال پیش
۰/۲۵	۰/۰۰۰	۰/۰۹	۰/۱۵	معناداری	

جدول ۷ ماتریس همبستگی بین هویت ملی پاسخگویان و میزان فرهنگ محیط‌زیستی هریک از ابعاد آن را (آگاهی، نگرش و رفتار) در زمان حاضر و در ۱۰ سال گذشته نشان می‌دهد. براساس یافته‌ها، هویت ملی با میزان فرهنگ محیط‌زیستی هریک از ابعاد آن (آگاهی، نگرش و رفتار) در زمان حاضر رابطه معناداری ندارد. همچنین هویت ملی با میزان فرهنگ محیط‌زیستی (در بُعد آگاهی $r = ۰/۲۲$) در بُعد نگرش ($r = ۰/۱۵$) و در بُعد رفتاری ($r = ۰/۳۱$) در ۱۰ سال پیش دارای رابطه معناداری است. فرهنگ محیط‌زیستی با هویت ملی در زمان حاضر ($r = ۰/۰۳$) رابطه معنادار ندارد و در ۱۰ سال پیش ($r = ۰/۲۶$) دارای رابطه معنادار است.

جدول ۷- ماتریس همبستگی بین وضعیت هویت ملی و میزان فرهنگ محیط‌زیستی

میزان فرهنگ محیط‌زیستی	ابعاد فرهنگ محیط‌زیستی			ضریب همبستگی پیرسون		هویت ملی
	رفتار	نگرش	آگاهی			
۰/۰۳	-۰/۰۲۴	۰/۱۰۰	-۰/۰۰۵	همبستگی	زمان حاضر	
۰/۵۰	۰/۶۴۶	۰/۰۵۳	۰/۹۲	معناداری		
۰/۲۶	۰/۳۱	۰/۱۵	۰/۲۲	همبستگی	۱۰ سال پیش	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	معناداری		

جدول ۸ آزمون تفاوت میانگین میزان فرهنگ محیط‌زیستی را برحسب گروه نسلی پاسخگویان نشان می‌دهد. نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد میانگین میزان فرهنگ محیط‌زیستی در بعد آگاهی و رفتاری برای گروه‌های سنی تفاوت معنادار ندارد، اما این میانگین در بعد نگرشی برای گروه‌های سنی و همچنین در کل تفاوت معنادار است.

نتایج آزمون تحلیل واریانس برای بعد آگاهی ($F = 1/38$) و معناداری ($Sig = 0/25$)، برای بعد نگرشی ($F = 12/14$) و معناداری ($Sig = 0/000$)، برای بعد رفتاری ($F = 2/29$) و معناداری ($Sig = 0/10$) و در کل برای فرهنگ محیط‌زیستی ($F = 4/11$) و معناداری ($Sig = 0/02$) در جدول ۸ ارائه شده است. این تفاوت برای فرهنگ محیط‌زیستی در بعد نگرش معنادار، اما برای آگاهی و رفتار معنادار نیست.

جدول ۸- آزمون تفاوت میانگین میزان فرهنگ محیط‌زیستی برحسب گروه‌های نسلی

معناداری	میزان F	انحراف معیار	میانگین	گروه‌های نسلی	فرهنگ محیط‌زیستی
0/251	1/38	12/06	53/62	16 تا 29 سال	بعد آگاهی
		14/81	50/38	30 تا 49 سال	
		7/56	50/40	50 سال به بال	
0/000	12/14	7/26	74/57	16 تا 29 سال	بعد نگرشی
		11/52	70/02	30 تا 49 سال	
		11/59	76/50	50 سال به بال	
0/10	2/29	8/89	61/37	16 تا 29 سال	بعد رفتاری
		11/68	58/11	30 تا 49 سال	
		9/95	56/67	50 سال به بال	
0/02	4/11	19/41	189/57	16 تا 29 سال	در کل
		25/36	178/52	30 تا 49 سال	
		21/05	183/58	50 سال به بال	

جدول ۹ نتایج آزمون تفاوت میانگین میزان فرهنگ محیط‌زیستی را برحسب پایگاه اقتصادی اجتماعی پاسخگویان نشان می‌دهد. این متغیر حاصل چهار متغیر فرعی به نام وضعیت شغلی، میزان درآمد ماهیانه، وضعیت تحصیلات و طبقه اجتماعی (از لحاظ ذهنی) است. نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد میانگین میزان فرهنگ محیط‌زیستی در بعد آگاهی معنادار است، اما در ابعاد نگرشی و رفتاری معنادار نیست.

میانگین میزان فرهنگ محیط‌زیستی در کل برای افراد دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا برابر با ۱۸۵/۸۵، میانی برابر با ۱۷۷/۹۶ و پایین برابر با ۱۸۱/۰۶ است. نتایج برای بعد آگاهی با (F = ۴/۰۸) و معناداری (Sig = ۰/۰۱۸)، بعد نگرشی با (F = ۲/۰۵۰) و معناداری (Sig = ۰/۱۳۰)، بعد رفتاری با (F = ۲/۶۸) و معناداری (Sig = ۰/۰۷۰) و در کل (F = ۳/۳۸) و معناداری (Sig = ۰/۰۳۵) در جدول ۹ ارائه شده است. واریانس بین گروه‌ها برابر با ۳۸۷۲/۷۴، واریانس درون گروه‌ها برابر با ۲۱۲۳۱۵/۲۲ و واریانس کل برابر با ۲۱۶۱۸۷/۹۶ است.

جدول ۹- آزمون تفاوت میانگین میزان فرهنگ محیط‌زیستی بر حسب پایگاه اقتصادی-اجتماعی

معناداری	میزان F	انحراف معیار	میانگین	پایگاه اقتصادی اجتماعی	فرهنگ محیط‌زیستی
۰/۰۱۸	۴/۰۸۳	۱۰/۴۷	۵۳/۳۸	پایگاه بالا	بعد آگاهی
		۱۱/۲۹	۵۰/۰۵	پایگاه میانی	
		۱۰/۴۸	۴۹/۲۷	پایگاه پایین	
۰/۱۳۰	۲/۰۵۰	۱۱/۴۸	۷۴/۰۴	پایگاه بالا	بعد نگرشی
		۱۱/۴۷	۷۱/۰۹	پایگاه میانی	
		۱۱/۶۲	۷۱/۸۳	پایگاه پایین	
۰/۰۷۰	۲/۶۸	۹/۴۰	۵۸/۴۲	پایگاه بالا	بعد رفتاری
		۱۱/۲۸	۵۶/۸۰	پایگاه میانی	
		۱۱/۹۸	۵۹/۹۵	پایگاه پایین	
۰/۰۳۵	۳/۳۸	۲۲/۳۵	۱۸۵/۸۵	پایگاه بالا	در کل
		۲۵/۰۰	۱۷۷/۹۶	پایگاه میانی	
		۲۳/۳۷	۱۸۱/۰۶	پایگاه پایین	

نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که چهار معادله رگرسیونی برای متغیر فرهنگ محیط‌زیستی و ابعاد سه‌گانه آن (آگاهی، نگرش و رفتار) بیان شده است. اولین مدل مربوط

به بعد دانش از فرهنگ محیط‌زیستی است. در این جا دو متغیر کیفیت زندگی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی پاسخگویان وارد معادله رگرسیونی شده است. مقدار T برای کیفیت زندگی (T = ۳/۵۴) و برای پایگاه اقتصادی اجتماعی (T = -۲/۸۹) است که با خطای (Sig.T = ۰/۰۰۴) پذیرفتنی است. دومین مدل مربوط به بعد نگرش از فرهنگ محیط‌زیستی است. در اینجا سن پاسخگویان وارد معادله رگرسیونی شده است. مقدار T برای آن برابر با (T = ۴/۲۳) و ضریب معناداری برابر با (Sig.T = ۰/۰۰۰) است. سومین مدل مربوط به بعد رفتاری از فرهنگ محیط‌زیستی است. در اینجا سه متغیر کیفیت زندگی، سن و جنسیت پاسخگویان وارد معادله رگرسیونی شده است. مقدار T برای کیفیت زندگی برابر با (T = ۵/۹۵) و ضریب معناداری برابر با (Sig.T = ۰/۰۰۰) است. مقدار T برای سن برابر با (T = -۲/۴۷) و ضریب معناداری برابر با (Sig.T = ۰/۰۱۴) است. مقدار T برای جنسیت برابر با (T = ۲/۰۸) است که با خطای (Sig.T = ۰/۰۳۹) پذیرفتنی است. با ورود این متغیر میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۳۴$ به دست آمد. چهارمین مدل مربوط به فرهنگ محیط‌زیستی است. در اینجا متغیر کیفیت زندگی وارد معادله رگرسیونی شده است. مقدار T برای آن برابر با (T = ۴/۹۱) و ضریب معناداری برابر با (Sig.T = ۰/۰۰۰) است.

جدول ۱۰- تحلیل متغیرهای مستقل برای پیش‌بینی متغیر وابسته (میزان فرهنگ محیط‌زیستی) و ابعاد آن

Sig	F	R ²	Sig	t-test	Beta	B	نام متغیر	مدل اول: متغیر فرهنگ محیط‌زیستی در بعد دانش
۰/۰۰۰	۱۱/۱۱۳	۰/۱۹	۰/۰۰۰	۳/۵۴	۰/۱۸	۰/۳۱	کیفیت زندگی	
		۰/۲۴	۰/۰۰۴	-۲/۸۹	-۰/۱۴	-۰/۷۴	پایگاه اقتصادی-اجتماعی	
Durbin-Watson ۱/۵۹ = Constant = ۴۹/۵۹								
Sig	F	R ²	Sig	t-test	Beta	B	نام متغیر	مدل دوم: متغیر فرهنگ محیط‌زیستی در بعد نگرش
۰/۰۰۰	۱۸/۸۷	۰/۲۱	۰/۰۰۰	۴/۲۳	۰/۲۱	۰/۲۲	سن	
Durbin-Watson ۱/۸۰ = Constant = ۶۲/۵۳								

Sig	F	R ²	Sig	t-test	Beta	B	نام متغیر	
۰/۰۰۰	۱۵/۸۰	۰/۳۰	۰/۰۰۰	۵/۹۵	۰/۲۹	۰/۵۲	کیفیت زندگی	مدل سوم: متغیر فرهنگ محیط‌زیستی
		۰/۳۲	۰/۰۱۴	-۲/۴۷	-۰/۱۲	-۰/۱۲	سن پاسخگویان	
		۰/۳۴	۰/۰۳۹	۲/۰۸	۰/۱۰	۲/۲۷	جنسیت پاسخگویان	
Durbin-Watson ۲/۰۰۶ = Constant = ۵۰/۷۷								
Sig	F	R ²	Sig	t-test	Beta	B	نام متغیر	مدل چهارم:
۰/۰۰۰	۲۴/۱۱	۰/۲۵	۰/۰۰۰	۴/۹۱	۰/۲۵	۰/۹۴۹	کیفیت زندگی	متغیر فرهنگ محیط‌زیستی
Durbin-Watson ۱/۸۷ = Constant = ۱۵۹/۷۹								

به منظور بررسی متغیرهای مکنون و پنهان در پژوهش که به عنوان سازه‌های نظری مطرح هستند و همچنین محاسبه خطاهای اندازه‌گیری و ساختاری، از مدل معادلات ساختاری استفاده شد. مدل‌سازی به پژوهشگر کمک می‌کند الگوی نظری را به صورت جزئی و خاص بررسی کند؛ بنابراین برای تدوین مدل معادلات ساختاری از نرم‌افزار AMOS 21 استفاده شد. معیارهای برازش مدل ساختاری فرهنگ محیط‌زیستی نشان می‌دهند مدل اندازه‌گیری از برازش نسبتاً مناسبی برخوردار است. نتایج زیر نشان می‌دهند، جدول ۱۱ وزن‌های استاندارد و غیراستاندارد رگرسیونی هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقدار P-value برای دو متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی و کیفیت زندگی کوچک‌تر از ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد تأثیر متغیرهای ذکر شده بر متغیر وابسته معنادار است. برای پاسخ به این سؤال که آیا مقادیر معنادار شده ذکر شده با صفر تفاوت معنادار دارند یا به عبارت دیگر قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد یا خیر، از تکنیک خودگردان‌سازی^۱ استفاده شد. نسبت بحرانی (CR) نشان می‌دهد که مقدار برآورده شده استاندارد برای دو متغیر کیفیت زندگی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی در مقایسه با

1. Bootstrapping

مبنای استاندارد (۱/۹۶) بیشتر است؛ بنابراین این معناداری تعمیم‌یافتنی به جامعه آماری است.

جدول ۱۱- برآورد استاندارد و غیراستاندارد پارامترهای اصلی (ضرایب گاما) و مقادیر معناداری برای آزمون فرضیه‌ها

P-value	نسبت بحرانی	مقدار معناداری	برآورد رگرسیونی		پارامتر		فرضیه
			غیراستاندارد	استاندارد	جهت	متغیر مستقل	
۰/۰۰۱	-۳/۴۶۲	۰/۰۰۰	-۰/۱۹۴	-۰/۱۶۸	-	پایگاه اقتصادی اجتماعی	اول
۰/۰۰۲	۳/۸۰۷	۰/۰۰۰	۰/۲۴۵	۰/۹۴۳	+	کیفیت زندگی	دوم

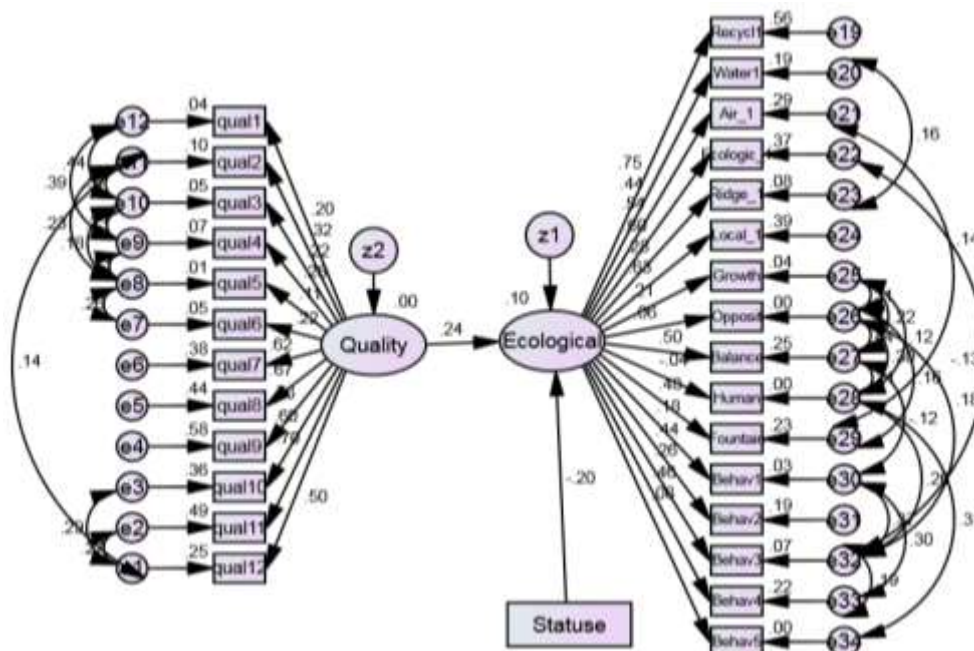
جدول ۱۲ شاخص‌های کلی برازش برای مدل ساختاری فرهنگ محیط‌زیستی را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد مدل در برخی از شاخص‌ها با مدل مطلوب فاصله دارد، اما بیشتر شاخص‌ها مناسب بودن مدل را تأیید می‌کنند. مقدار کای اسکوئر هنجار شده در این مدل در اصلاح اول برابر با ۱/۹۰۴ بود که با صفر فاصله دارد. شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برابر با ۰/۰۴۳ بود که فاصله چندانی با صفر ندارد و وضعیت خوبی را نشان می‌دهد.

جدول ۱۲- شاخص‌های کلی برازش برای مدل ساختاری رگرسیون فرهنگ محیط‌زیستی

مدل اصلاح شده	مدل اصلی	نقطه برش شاخص	شاخص	
۶۶۲/۵۴۵	۱۵۸۷/۰۶۲	هر چه کمتر به سمت صفر	CMIN	کای اسکوئر غیرمعنادار
۱/۹۰۴	۳/۰۲۹	کمتر از ۳	CMIN/DF	کای اسکوئر نسبی
۰/۴۳۸	۰/۷۱۹	نزدیک به صفر	RMR	ریشه میانگین مجذور باقی مانده‌ها
۰/۸۸۲	۰/۶۳۵	هر چه بزرگ‌تر و به سمت یک	CFI	شاخص برازش تطبیقی
۰/۸۶۵	۰/۶۰۹	بیشتر از ۰/۵۰	TLI	شاخص توکر لوئیس
۰/۷۷۳	۰/۵۹۳	بیشتر از ۰/۵۰	PCFI	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده

مدل اصلاح شده	مدل اصلی	نقطه برش شاخص	شاخص
۰/۰۴۳	۰/۰۷۴	۰/۰۸ و کوچک تر	شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب RMSEA

شکل ۲ مدل استاندارد ساختاری متغیر مستقل و وابسته را نشان می دهد.



شکل ۲- مدل استاندارد ساختاری متغیر مستقل و وابسته

۵. نتیجه گیری و پیشنهادها

امروزه نگرش ها و موضوعات فرهنگی به تبعیت از عوامل و زمینه های تغییر و تحول یافته اند. اگر با نگاه جامعه شناسختی این تحولات را بررسی کنیم، دگرگونی های فرهنگی در همه زمینه ها را درک خواهیم کرد. در این مطالعه تلاش شد این تحولات فرهنگی در فرهنگ محیط زیستی شهروندان کرمانی بررسی شود؛ بر این اساس، لازم بود این واقعیت را (فرهنگ

محیط‌زیستی) در بین گروه‌های مختلف سنی در شهر کرمان ارزیابی کنیم. مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه بین کیفیت زندگی و هویت ملی با فرهنگ محیط‌زیستی در شهر کرمان با روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه انجام گرفت. مهم‌ترین نتایج این مطالعه به شرح زیر است:

فرضیه ۱: بین کیفیت زندگی محیط‌زیستی و فرهنگ محیط‌زیستی رابطه معنادار وجود دارد. براساس نتایج پژوهش حاضر، کیفیت زندگی محیط‌زیستی پاسخگویان با میزان فرهنگ محیط‌زیستی (در ۱۰ سال پیش) رابطه معناداری ندارد، اما این رابطه در زمان حاضر معنادار است. این نتیجه با نتایج مطالعات میرلطفی و رحیم‌زاده (۱۳۹۳)، مظلومیان و کمرپور (۱۳۹۶) و کلس (۲۰۱۲) هم‌راستا است. مطالعات ذکر شده نشان می‌دهند که کیفیتی زندگی متغیر مهمی در فرهنگ محیط‌زیستی افراد است. این نتیجه بر مبنای چارچوب نظری پژوهش نیز تفسیر شدنی است؛ به عنوان نمونه، گیدنز، آینده‌نگری و مسئولیت‌پذیری در برابر نسل‌های آینده و تأمین نیازهای آن‌ها و در کل حفاظت از محیط‌زیست را منوط به توجه به بهداشت و کیفیت زندگی مردم، عدالت اجتماعی، مشارکت مردمی و تأکید بر حس جمع‌گرایی و تصمیم‌گیری شفاف و آموزش مردم می‌داند. در تحلیل این نتیجه می‌توان چنین استدلال کرد که دگرگونی در سبک زندگی مستلزم دگرگونی در الگوهای رفتاری فرد در زندگی روزانه است. نمونه‌هایی از این دگرگونی را می‌توان در درست خرید کردن، درست صحبت کردن، سرمایه‌گذاری پول در جای مناسب، رفتار مناسب با دیگران و رفت‌وآمد و... دانست. کیفیت زندگی حفاظتی در قالب صرفه‌جویی در مصرف انرژی، صرفه‌جویی در مصرف آب و استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر خود را نشان می‌دهد. بهبود و تغییرات کیفیت زندگی محیط‌زیستی می‌تواند باعث تغییرات و تحولات فرهنگ محیط‌زیستی مردم شود و نگرش و رفتار آن‌ها را در برابر محیط‌زیست اصلاح و تغییر دهد؛ بنابراین تغییر در سبک زندگی و کیفیت آن بدون تردید می‌تواند تأثیرات درخور توجهی بر فرهنگ

زیست محیطی افراد داشته باشد؛ امری که متأسفانه در کشورهای جهان سوم چندان به آن توجه نشده است.

فرضیه ۲: بین هویت ملی و فرهنگ محیط‌زیستی رابطه معنادار وجود دارد.

فرهنگ محیط‌زیستی با هویت ملی در زمان حاضر ($r = 0/03$) رابطه معنادار ندارد و در ۱۰ سال پیش ($r = 0/26$) دارای رابطه معنادار است. این نتیجه با مطالعات بامبرگ و همکاران (۲۰۱۵)، بلیوک و همکاران (۲۰۱۵)، فیلدینگ و هورنسی (۲۰۱۶)، فریشچه و همکاران (۲۰۱۸) و میلفونت و همکاران (۲۰۲۰) تاحدودی همخوان است. می‌توان استدلال کرد هرچه احساس هویت ملی در جامعه‌ای قوی‌تر باشد و مردم به سرزمین خود احساس تعلق خاطر بیشتری داشته باشند، این امر در نگهداری و حفاظت و حس مسئولیت‌پذیری آن‌ها در قبال محیط‌زیست نیز تأثیرگذار است. نتایج این فرضیه بر مبنای ادبیات نظری پژوهش تفسیرشدنی است. هابرماس معتقد است شهروندان بعد از ما نیز سهمی از محیط‌زیست و منابع موجود در آن دارند؛ بنابراین برای حل این مشکل (رابطه ابزاری) پیدایی سیاست‌های زیست‌محیطی همچون جنبش اجتماعی جدیدی را که بیانگر توجه به مراقبت و حمایت از محیط‌زیست طبیعی است، مهم می‌داند.

می‌توان استنباط کرد که با ارتقای کیفیت زندگی افراد، آگاهی، نگرش و رفتارهای محیط‌زیستی آن‌ها ارتقا پیدا کرده است. از طرفی هویت ملی افراد درباره توجه به فرهنگ محیط‌زیستی برای نسل‌های قبل بیشتر از الآن بوده است و این نگاه طبیعت‌دوستی در بین آن‌ها در مقایسه با نسل کنونی بیشتر بوده است. شاید یکی از مواردی که هم‌اکنون در راستای تخریب محیط‌زیست نقش اصلی داشته باشد، تسلط بشر در مدرنیته بر طبیعت به واسطه دانش تکنیکی و ابزاری است که بشر برای ثروت اندوزی بر آن دست یافته است. در راستای کمک به حفظ و نگهداری محیط‌زیست لازم است تغییرات فرهنگی به صورت همگام در فرهنگ افراد صورت گیرد؛ یعنی ابتدا دانش و آگاهی شهروندان تغییر یابد. این امر محقق نخواهد شد مگر اینکه با آموزش شهروندان در مرحله دوم این تغییر به ایجاد

تغییراتی در نگرش افراد منجر شود. همچنین از آنجاکه نگرش‌های افراد معمولاً پیش‌زمینه فرهنگ آن‌هاست، تغییر نگرش می‌تواند موجب تغییر رفتار آن‌ها شود و در نهایت اینکه تغییر رفتاری افراد می‌تواند موجب تغییر رفتار گروهی شود.

در پایان، پیشنهادهای پژوهش به شرح زیر بیان می‌شوند:

۱- نحوه رفتار و روش زندگی مردم در طبیعت باید تغییر یابد. این مهم بدون ایجاد تغییر در شناخت انسان‌ها از محیط‌زیست حاصل نمی‌شود. در این راستا آموزش محیط‌زیست موضوعی کلیدی است. اگر گروه‌های هدف را شناسایی کنیم و اولویت‌های منطقه‌ای کرمان را مشخص کنیم، می‌توان با حداقل هزینه تحولات بزرگی را به لحاظ نگرشی و رفتاری ایجاد کرد؛

۲- توجه به آموزش زیست‌محیطی از طریق محتوا، مواد و کتاب‌های درسی جزو نیازهای ابتدایی و اساسی محسوب می‌شود که در نخستین مهروموم‌های زندگی کودک به صورت رفتار مسئولانه در قبال محیط زندگی فرد تجلی می‌یابد. امروزه مدارس باید به دانش‌آموزان در سطحی وسیع دانش و آگاهی‌های محیط‌زیستی را به مؤثرترین شیوه آموزش دهند و درک عمومی آنان را درباره آگاهی‌های محیط‌زیستی ارتقا بخشند. آموزش‌های محیط‌زیستی مدارس، اندک و پراکنده است و رویکرد اصولی و انسجام ندارد و سودمند و کاربردی نیست؛

۳- برای افزایش آگاهی‌های محیط‌زیستی در شاخص‌هایی که میانگین کمی دارند (درک اهمیت استفاده از انرژی‌های پاک، اهمیت بسته‌بندی بهداشتی محصولات و...) باید زمینه‌های آگاهی مردم در این باره افزایش یابد. این امر با آموزش‌های همگانی و اطلاع‌رسانی درباره میزان اهمیت آن امکان‌پذیر است؛

۴- پیشنهاد می‌شود دولت از ابزار مالیاتی برای تضعیف فعالیت‌ها و تولید محصولات مخرب محیط‌زیستی استفاده کند. به خصوص شرکت‌ها و کارخانه‌هایی که آلودگی‌های

محیط‌زیستی بیشتری دارند، ابزار افزایش مالیات می‌تواند صاحبان آن‌ها را به این فکر وادارد که به رعایت استانداردهای لازم اقدام کنند؛

۵- دانشگاه‌ها می‌توانند با تشویق دانشجویان و کارکنان به استفاده از دوچرخه در محوطه دانشگاه و استفاده از وسیله نقلیه ترکیبی و الکتریکی، ایجاد برنامه‌های بازیافت، استفاده از مصالح ساختمانی تجدیدپذیر و محلی در ساخت سازمان‌های جدید، درگیرکردن دانشجویان در باغبانی ارگانیک برای تأمین مواد غذایی در دانشگاه به‌خصوص در رشته‌های مرتبط، نقش فعالی در حفاظت از محیط‌زیست ایفا کنند.

کتاب‌نامه

۱. اسلام‌زاده، و. (۱۳۸۲). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی محیط‌زیست*. تهران: سازمان سبز حزب اسلامی کار.
۲. بایند، ل. (۱۳۷۷). *بحران‌های توسعه سیاسی* (غ. ر. خواجه‌سروی، مترجم). *فصلنامه مطالعات راهبردی*، (۱)، ۲۳۳-۲۴۴.
۳. بری، ج. (۱۳۸۰). *محیط‌زیست و نظریه اجتماعی* (ح. پویان، و ن. توکلی، مترجمان). تهران: سازمان حفاظت محیط‌زیست.
۴. صالحی، ص.، و امام قلی، ل. (۱۳۹۱). سرمایه فرهنگی و نگرش و رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه موردی: استان کردستان). *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، (۲۸)، ۹۱-۱۲۰.
۵. ضیاپور، آ.، کیانی‌پور، ن.، و نیک‌بخت، م. (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی محیط‌زیست و رفتار افراد نسبت به آن در مناطق روستایی و شهری استان کرمانشاه. *فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، (۲)، ۶۷-۵۵.
۶. کاستلز، م. (۱۳۸۴). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ* (جلد اول) (ح. چاوشیان، مترجم). تهران: طرح نو.
۷. کریمی، م.، درویش نوری، س.، و مربی هروی، ه. (۱۳۹۸). بررسی رابطه سرمایه‌های اجتماعی، تعهد سازمانی و رفتار فرانقشی در محیط زیست. *فصلنامه مدیریت محیط‌زیست و توسعه پایدار*، (۴)، ۳۱-۲۶.

۸. محرم‌نژاد، ن. (۱۳۹۲). مدیریت و برنامه‌ریزی محیط‌زیست. تهران: دینگار.
۹. محرم‌نژاد، ن.، و تهرانی، م. (۱۳۸۹). مروری بر نظریه‌های اجتماعی و مدیریت محیط‌زیست. فصلنامه انسان و محیط‌زیست، (۱)، ۱۱-۳.
۱۰. محمدی‌فر، ن. (۱۳۹۵). تجزیه و تحلیل تأثیر کیفیت زندگی بر نوع و میزان مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: بررسی تطبیقی دو شهر اصفهان و کرمانشاه) (رساله دکتری منتشر نشده). دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
۱۱. مظلومیان، س.، و کمرپور، پ. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر آلودگی محیط‌زیست و رفتار زیست محیطی. مقاله ارائه شده در چهارمین کنفرانس بین‌المللی برنامه‌ریزی و مدیریت محیط‌زیست، دانشکده محیط‌زیست، دانشگاه تهران.
۱۲. میرلطفی، م. ر.، و رحیم‌زاده، ص. (۱۳۹۳). مسائل محیط‌زیست و کیفیت زندگی انسان، مقاله ارائه شده در اولین همایش ملی محیط‌زیست، اصفهان.
۱۳. هانیکان، ج. (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی محیط‌زیست (م. عنبری، ا. محمدی، و م. رستمی، مترجمان). تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. یزدخواستی، ب.، حاجیلو، ف.، و علیزاده اقدم، م. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی بوم‌شناختی با ردپای بوم‌شناختی (مورد مطالعه: شهرستان تبریز). فصلنامه اخلاق زیستی، (۸)، ۱۳۰-۱۰۱.

15. Asilsoy, B., & Oktay, D. (2018). Exploring environmental behaviour as the major determinant of ecological citizenship. *Sustainable Cities & Society*, 39, 765-771.
16. Axsen, J., & Kurani, K. S. (2014). Social influence and proenvironmental behavior: the reflexive layers of influence framework. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 41(5), 847-862.
17. Bamberg, S., Rees, J., & Seebauer, S. (2015). Collective climate action: Determinants of participation intention in community-based pro-environmental initiatives. *Journal of Environmental Psychology*, 43, 155-165.
18. Bliuc, A. M., McGarty, C., Thomas, E. F., Lala, G., Berndsen, M., & Misajon, R. (2015). Public division about climate change rooted in conflicting socio-political identities. *Nature Climate Change*, 5(3), 226-229.

19. Bonaiuto, M., Breakwell, G. M., & Cano, I. (1996). Identity processes and environmental threat: The effects of nationalism and local identity upon perception of beach pollution. *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 6(3), 157-175.
20. Dunlap, R. E., Van Liere, K. D., Mertig, A. G., & Jones, R. E. (2000). New trends in measuring environmental attitudes: measuring endorsement of the new ecological paradigm: A revised NEP scale. *Journal of Social Issues*, 56(3), 425-442.
21. Fielding, K. S., & Hornsey, M. J. (2016). A social identity analysis of climate change and environmental attitudes and behaviors: Insights and opportunities. *Frontiers in Psychology*, 7(121), 1-12.
22. Fritsche, I., Barth, M., Jugert, P., Masson, T., & Reese, G. (2018). A social identity model of pro-environmental action (SIMPEA). *Psychological Review*, 125(2), 245-269.
23. Keles, R. (2012). The quality of life and the environment. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 35, 23-32.
24. Milfont, T. L., Osborne, D., Yogeewaran, K., & Sibley, C. G. (2020). The role of national identity in collective pro-environmental action. *Journal of Environmental Psychology*, 72, 101522.
25. Ponce, P., Alvarado, R., Ponce, K., Alvarado, R., Granda, D., & Yaguana, K. (2019). Green returns of labor income and human capital: Empirical evidence of the environmental behavior of households in developing countries. *Ecological Economics*, 160, 105-113.
26. Postmes, T., Rabinovich, A., Morton, T., & van Zomeren, M. (2013). Towards sustainable social identities: Including our collective future into the self-concept. In H. C. M. van Trijp (Ed.), *Encouraging sustainable behavior: Psychology and the environment* (pp. 185-202). London: Psychology Press.
27. Salehi, S. (2010). *People and the environment: A study of environmental attitudes and behaviour in Iran*. People in the Environment: LAP Lambert Academic Publishing.
28. Schumacher, I. (2013). *The endogenous formation of an environmental culture*. Retrieved from <https://hal.archives-ouvertes.fr/hal-00834151/>